

(سرخور)  
(مبدأ الجاده)

الكتاب العظيم

نه افغانستان کابل

- (۱) امورات نخرب (ب)
- (۲) توید رافق ماحظ زدین آمان (ب اداره خانه)
- (۳) اوراق کدرج لشود (مادر افغان مبارک دوره امن و امان) بـ (بنام مذیر و ضرور هرور) ←
- (۴) فرستاده نمیشود (اعاده نمیشود)

# الكتاب العظيم

۱۳۲۶

قیمت سالیانه  
دار السلطنة کابل ۷

- روپه کابلی
- در اطراف داخله علکت
- ۱۱ روپه کابلی
- در خارج علکت
- ۱۲ روپه کابلی
- (ب) مر هفت یکار (لشرنیشود)

تاریخ شمسی ۲۰ غربر ۱۳۰۱ شمسی مطابق ۲۲ ربیع الاول ۱۳۸۱ قمری

تمدیح انگلیزی ۱۱ نومبر ۱۹۲۲ میسوی

از احوال مدبکر عاماً بخبر واژروا بسط  
بین الملل اسلامی عروم بودند - نیتوالستند  
و با خود ازین سنه قطع نظر کرد  
بودند که درین امر خبر افاده کنند -  
حقائق مودت و محبتک از آیه کربلیه  
(اعمال امومنون اخوة) ظاهر و هوی است  
از غفلت و فقدان احساس ماطم نمیگن  
المعلم و اعم شده ممافی جیب مبانی (المؤمن  
المعلم) جنت بمن مومن رای مومن بمقابل  
ضریعه ازله سراند) درالظار ما سلامان  
مجقول الاحوال بعنای بعن مطلق گفته میش  
حرانی و برشانی مادر مـ نهار تباط منابات

(جامعیت اسلام)  
سلامان علم هیشه از جامیت اسلام  
و حاوی بودن آن بر قاع روا بط و شمار  
مسلمین تذکار و اظهار افکار داشتند اما  
نظر باشک متنی ذهنی این حمله را از قوه  
بغل آزند هانا نادر جات معلوم ، اهمال  
و اغراض نظر کرده بودند ، بوجب آن  
قصاص و هصر بیکی ، قصاص و هصر دیگری  
شمرده نیشد و بهر حال يك کوئه حیات  
زدیلکه بمحات را غنیه دانسته هر زحمت  
و فلا کشک که برایشان عائد میگردید محـ وس  
نا کرده متعمل این میشند دولـ اسلامی ما

اجماعیه اسلامیه بازداشت و سوت داشت  
که گر همت مارا خیل خوبه میداشت -  
خلقا و بادشاوهان وهم ساز مشاهیر  
مسلمانان خصه بیسم در شیرازه کردند  
ان حسیت مفارق شده اسلام بـادرانه  
وسار عنینه تو استبد کنند بلکه انتشاری  
این حسیت تو شبد جذابیه اختلاطیکه بن  
عنهایان و ایرانیان بود بکاه باعث برآمد  
ونسبه این متن کردند - ازین مـئله نیز  
بـاید جسم نبوشم که در جمیع مـامسلمانان  
بلکه رهایی مـتفقفت بـرست و بـلک افسر مجاهد  
فـی سـیـلـ اـفـهـ حـاضـرـ لـشـدـ وـرـنـهـ مـیـتوـالـتـیـمـ  
این صـوـبـتـ رـوـزـکـادـ خـوـدـنـازـاـ روـشـنـیـ اـفـکـارـ  
ایـجـینـ رـعـهـایـانـ قـوـمـ رـفعـ کـشـیـمـ وـهمـ درـ بـعـضـیـ  
مـوـاقـعـ اـزـ کـوـشـهـ وـ کـنـارـیـکـهـ بـایـنـ اـسـ صـدـایـ  
موـافـقـتـ بـرـ مـیـخـاستـ بـکـوشـ هوـشـ مـانـلـمـانـ  
نـهـانـ نـهـیرـسـیدـ - اـیـلـیـ اـ بـدـبـیـدـتـ کـهـ اـکـنـ  
اقـوـامـ وـجـعـیـهـایـکـهـ اـزـ حـیـضـ ذـاتـ بـعـارـجـ  
زـقـ وـتعـالـیـ نـاـیـلـ شـدـهـ اـنـدـ بـوـیـهـ اـفـکـارـ وـ  
رـهـنـمـایـیـ بـلـکـ فـرـدـ اـزـ اـفـرـادـ شـانـ بـودـ کـهـ  
کـفـایـتـ وـدـرـایـتـ فـوـقـ العـادـهـ دـاشـتـ - قـوـمـ  
یـاـجـمـیـعـ خـوـدـ اـبـلـسـ بـلـکـ رـعـهـایـ کـرـدـهـ  
بـعـزـلـ مـقـصـودـ رـسـانـیدـهـ اـنـتـ اـزـینـ روـ بـایـدـ  
یـعـمـالـاتـ اـمـرـوزـهـ عـلـمـ اـسـلامـ عـطـفـ اـنـظـارـ  
کـشـیـمـ کـهـ درـ مـاجـعـ فـنـرـیـکـهـ زـمـانـ مـاضـیـ ،  
هـآنـ کـوـانـیـکـهـ شـرـحـ کـوـدـیـمـ بـدـونـ اـفـادـهـ

وـ اـنـتـفـادـهـ کـذـشـتـ حـالـ بـلـکـ ضـایـ نـزـلـ

وـ بـیدـارـیـ دـمـیدـهـ وـمـلـلـ اـسـلامـ اـذـانـ خـوـابـ

کـرـ اـجـمـاـنـ رـمـیدـهـانـدـ بـاـکـهـ هـنـزـ درـ صـدـدـ

فـفـلـتـ شـعـارـیـ مـنـصـدـیـتـیـمـ ۱ـ خـیـرـ ۱ـ زـمـانـ

مـوـجـودـهـ ماـ بـاعـصـرـهـایـ کـذـشـتـهـ سـاـعـیـجـ

مـتـبـعـتـهـ نـدارـدـ بلـکـ اـمـرـوزـ بـلـصـفـامـ حـمـوسـ

مـسـلـمـانـانـ عـالـمـراـ بـیـشـ اـنـظـرـدـارـیـهـ وـمـلـلـ وـدـولـ

اـسـلـامـ رـاـ درـ مـیـادـینـ سـهـ وـکـوـشـ جـمـاـعـدـ

وـسـاعـدـ مـحـیـیـمـ - درـ اـرـتـابـاطـ دـوـابـطـ بـینـ

اـللـلـ اـلـلـمـ بـاـشـبـاقـ وـفـیـروـزـیـ فـوـقـ

الـمـادـهـ جـدـوـ جـمـدـ بـیـهـیـیـدـ سـقـوـطـ وـ

قـصـانـ بـیـکـ سـقـوـطـ وـقـصـانـ دـیـکـرـیـ شـرـدـهـ

مـیـشـودـ - مـعـاهـدـاتـ دـوـمـتـانـ مـتـحـدـهـ کـهـ

سـارـ مـلـلـ وـدـولـ اـسـلامـ بـیـکـ دـیـکـرـیـ

نـدـاشـتـهـ مـالـاـ مـتـقـابـلـاـ دـارـاـ شـهـ وـمـیـتـوـنـدـ

اـمـ اـرـاجـعـ بـلـکـ ذـرـیـنـ عـمـوـمـهـ کـمـ وـکـوـنـهـ

جـکـونـهـ نـاـیـلـ بـایـنـ مـقـاصـدـ طـالـیـ شـدـیـمـ ۱ـ

لـازـمـ شـکـرـ لـعـمـتـ وـجـودـ مـسـمـودـ رـهـمـایـ

اـسـلـامـ بـیـتـ اـعـلـیـعـضـرـتـ اـمـرـقـازـیـدـاـ اـنـ

جـانـ وـدـلـ بـخـاـ آـرـیـمـ کـمـاـ وـسـایـرـ مـسـلـمـانـ

عـالـمـراـ بـعـاجـادـهـ اـسـلـامـیـ وـبـاعـانـهـ خـودـ

عـقـاصـدـ عـلـیـ فـانـزـ کـرـدـانـیدـنـ - بـجـایـ هـیـجـ

نـکـ وـشـهـ بـیـتـ کـهـ اـزـ جـلـوـیـ مـیـشـتـ مـانـوـیـ



فوـتوـیـ اـعـلـیـضـرـتـ اـنـهـادـ بـاـنـدـ تـرـقـیـخـواـهـ اـفـغـانـ (ـ اـمـانـ اللهـ خـانـ )  
وـ جـنـابـ سـفـارتـ مـآـبـ فـخرـیـ بـاشـاـ (ـ سـفـیرـ مـاتـدـیـرـ دـوـاتـ عـلـیـهـ تـرـکـیـهـ ) درـ حـالـیـکـ

رـدـایـ عـلـمـهـایـ مـقـدـسـهـ تـرـکـیـهـ وـ اـفـغـانـهـ رـاـ بـعـدـ اـزـ تـبـادـلـهـ مـعـاهـدـهـ نـامـهـاـزـیـبـقـنـمـوـدـدـ

حبله صفات است که در حیات اجتماعی،  
اسلامیه مایل نازک ارواح دمید —  
تواهم بخ معنی که مارا از هدیتک  
جدا دور نمی‌داشت بضمای حقیقت بررسی  
زائل ورفع شدند — حقائق جامعیت  
اسلام ارقوه بفعل آمده و می‌باشد — از  
سه چهارسال با پنهان طرف چه فعالیت عمومی  
است که در مرکز آسیا و اطراف و آذناف  
آن دیده نمی‌شود؟ — این همه اقدامات  
خیرخواهانه است که از رهبری و مجاهده  
بروری اعلیحضرت (امیر امان اللہ خان)  
در میدان مسابقه اقوام لاحق کردند و  
هر روز سعادت و عمران اهل اسلام را  
تامین کرده و می‌کنند — دین او آخرین  
پل مزده جهان بخش کفته شود همانا عصر  
مواخات دوملت نجیب اسلام است که در  
دارالنصرت کابل بشارع ۲۷ میزان باعثی  
جهان ضمای هایانی تائل شد و ذات شاهنه  
در جامع کبیر عید کاه بعد از نماز جمیع که  
امامت ارا بالذات ادا فرمودند و نظمه  
باینی که سراسر نازک های ارواح مانند  
بوده قرائت نمودند بر منبر خارجی جامع  
کبیر همچو قرائط طلوع نموده نعل اسیار  
دلربای مؤثری ابراز کرده معاهده ترک و  
افغان را بحضور جله وزرا و امنای دولت  
واعمالی باخت نخست که برای نماز حضور بهم

مر حنم که کرده ام کامیاب کردیده ام  
اگر یعنی حرمان ندارم؛ بنام نامی ملت  
افغان دولت من عاجز بتفوق الله تعالی  
و محترم حضرت سید المرسلین صلی الله علیه  
و علیه السلام و اصحاب اجمعین به این عبادت نامه  
که آرزوی هل می‌بین بود کامیاب هست  
امضا کنید. عموم، مبارک باشد. مبارک باشد  
اعلیحضرت غازی فرمودند :-

الله اکبر اکبر اکبر — الله اکبر  
الله العالیتبا غیر از تو بنای ندارم خدای  
غیر از تو از هیچ کس کمک نیخواهیم  
اصروز مقدس را که روز مبارک برهام  
اسلام است. زوال نکنی آمین!  
الهم ربنا آتنا فی الدین حسنة و  
فی الآخرة حسنة و فنا عذاب النار ط  
[آمین نم آمین]

## سیم تند الرحمه الرحم

[معاهده بین دولتین طالبین]

ترکی، و افغانستان

دولتین عالیتین ترکی و افغانستان  
بنیان اعیانی خود شان بروابط صمیمه  
قلمبیه همدیکر مربوط، و پیش امیل و تقدیم  
 المقدس متخصص اند بتوافق مناقع غالیه  
مشترک که مادی و مصنوی دولت مشارک اینها  
بسارین مطلب که سعادت و فراغه لایک  
سعادت و فلاح که دیگری شتره شده باش

برادر خود به مناسبات محبتانه و دوستانه  
صمیمه امضا میکنم. اکرچه تمام آزار  
در اخبارها لفظاً لفظاً خواهد خواند.  
لا کن اصوات که روز جمیع دیگروز بسیار  
مبارک است. میخواهیم که جناب وزیر  
صاحب خارجیه تمام بعهد نامه را، بمناسب  
های شما مخواهند تا مخوبی بدانند.  
بعد ازان عاج وزیر صاحب خارجیه  
عهد نامه را قرائت فرمودند :-

ذات شاهانه فرمودند :-

جنایل بعضی از شما خواهد رسید  
که این عهد نامه را در ماسکو سفر امضا  
کرده بودند. درین میکویم سال جرا  
تصدقی این تأیید شده (نک خورد)  
هردو لشکرداریه بعده از اهضاء عماشند کان  
خود اکثر چری و افق نیاشد تغیر بدهد.

لهمذا بعضی فقرات که بنتظر من قدری  
صحیح عی خد درین پل و نیم سال تأخیر  
شد [نک خورد] تامیل جناب فخری  
پاشا پل سفر درایت در بخارا تشریف  
آورده این عقد، های ماحل شدند.  
و در هر فقره که رسید برای کان عرض  
میکنم .

[ذات سلوکه فرمودند] :-

اصوات خود را بسیار بخوبیار میشمارم  
که در بخارا و بخارا این مسجد مقدس

احوال موجوده که آغاز دور بی فقط و انتها  
و استخلاص عالم شرق دیده میشود بکمال  
امتنان و شکران دیده حکم نمودند که میشود  
از همه ماضیه بین ارتباطی و منفرد ماندن  
شان محکم نیست و ترتیب وظایف تاریخیه  
ضروریه که بصردو طرف لازم آمده  
ضروریست این هردو دولتین متاخرین که  
طیعتاً می پینند که مانند اعضای پلک وجوده  
برنج و آزار یافتن بیک دیگری متاثر و مناذی  
میشوند قرار داده اند که این وحدت  
معنویه و اتفاق طبیعی را که از مدت های  
مببدی بین شان جایگیر است نقل کنند  
بساهه سیاسی و آزادی محالت اتفاق مادی  
ورسمی تبدیل دهنده و یعنی موافقت نمودند  
بعقد معاهده باهمی که مقدمة الحیر است  
بنام سعادت منتبل عموم شرق و برای  
این مقصد از طرف حکومت مجلس کلان ملی  
ترکیه بوسف کان یک ناظر امور اقتصادیه  
و داکتر رضاور یک ناظر معارف از  
اعضای حکومت مشار الیم و از طرف  
افقالستان جنوار محمدولیخان سفیر فوق  
العاده صرخ نماینده تعیین شده من خصین  
مشار الیم بعد از نشان دادن صلاحیت نامه  
های خودشان و تصدیق کردن بر صحبت آنها  
مواد ذیل را قبول کردند : -

ماده ۱ : - دولت علیه ترکیه الى

مشاهده و باستقلال زند کانی به رسی کند  
و بافقه اذان بروابط صمیمه و جدایه  
مربوط میباشد فرض خود میدارد که  
دولت علیه اتفاقیه را مستقل بنتناسد ،  
ماده ۲ : - دولتین مالیتين عاقدين  
آزادی و حریت کامل و تلقی حق استقلال  
نه ملل شرق دا بهرا اصول و طرز یک رای  
اداره و ترتیب حکومت خودها آرزو کنند  
قبول می کند واستقلال دولتین بخارا و  
خیوا را تصدیق میباشد : -

ماده ۳ : - دولت علیه افغانستان  
دولت علیه ترکیه را که از زمانه عهای قدیم  
خدمات بر آنیده و رهبری برای عالم اسلام  
کرده و علم خلافت را بدست کرته دولت  
مقتدایها تصدیق می کند .

ماده ۴ : - هر کدام از حکومت  
های خارجی که بخواهد در شرق سیاست  
استبل و استثمار جویانه تعییب نماید و یک  
تجاویزی بربی ازین هردو دولت بوقوع  
پس از طرفین عاقدين این تجاوز را عنین تجاوز  
برخود شمرده بروایط یکننه در جاره آن  
خواهند تو شد .

ماده ۵ : - طرفین معاهدين قبول  
می کنند باروا - سویکه یا یک از طرفین  
در حالت اختلاف باشد تشیت نمی نمایند  
برای هقد مقاوله و یامعاہدة دولیه که موافق

باشد بعضاً دولت و یامعاہر باشد بعضاً  
یکی از دو این عاقدين و تعهد میباشد  
که اکریکی از طرفین بخواهد که یک  
معاهده با دولت دیگر عقد کند پیشتر دولت  
معاهده خود معلومات میدهد : -

ماده ۶ : - طرفین عاقدين برای تنظیم  
معاملات تجارت و مناسبات اقتصادیه و اجنبی  
هاوشیزی در های سیاسی مقاوله نامه های  
علیحده مینویسد و از اینون بغير کرهای  
جانین سفیر میفرستند .

ماده ۷ : - طرفین عاقدين در بین  
خودها پوسته های خصوصی : متعظم احداث  
می کنند و یک آن اول تزمیقا بلایا یکدیگری  
را از وضعیت سیاسی خود و از معارف  
واز تجارت و احوال و وضعیتی دیگر  
واز هر نوع احتیاجات و آرزو های خود  
خبر میدهد .

ماده ۸ : - حکومت ترکیه برای  
افقالستان بطور اعانت فنیه و علمیه تمدید  
میکند که هیئت از معلمین ملکی و افسران  
عسکری یا غرفه این هیئت معلمین و افسران  
کم از کم پنج سال صرف مساعی می کند  
بعد از اختتام این مدت مقرره اکثر  
افقالستان خواهش نماید میتواند از دولت  
علیه ترکیه دیگر یک هیئت صاحب منصب ایان  
عسکری ترکی را طلب نماید حکومت  
علیه ترکیه فرستادن آنرا تهدید می کند .

ماده ۹ : - این معاہده نامه بسیار  
ودی و تزهیه جانین تصدیق میشود  
از آینه اعتبار آمر عی الاحکام میشود .  
ماده ۱۰ : - این معاہده نامه دو نسخه  
نوشته ، ماده کو نظم و ترتیب یافته از  
طرف خصین طرفین دستخط شد . این  
معاهده بین ۱۱ دی ۱۲۹۹ هجری  
حسی تحریر شد .  
اعضای حکومه سفیر فوق العاده -  
یوسف کان یک ، داکتر رضاور یک .  
اثر این عقد ، اخایدک دینا از آمده  
۱۲۹۹ المیون و نهاده ای از مرد و هویتا  
ا - این معاہده خلل نمایدزد ، اهتم بخوا  
آ جنا - بخی با اعوده اند ای هم  
امر ، منصه و بخیه ته جیما و لاده )  
قبول : جرای را وعده می کند ،  
( امیر امان الله )

### مكتوب

جناب مالیقدار جلاله آب محترم محمدولی  
خان وزیر خارجیه دولت علیه مسنده  
افغانستان دام مجده العالی ۱  
لسن بعده امداده بین ۱۱ دی ۱۲۹۹  
۱۳۳۷ و ۱۱ دی ۱۲۹۹ بین ترکیه و  
افقالستان عقدنده نظر عاده سوم و چهارم  
بعجم توضیحات ذیل را مینویسیم : -  
در ماده سهم فقره دولت مقتدایها

با آن حقوق تعلق دارد که خلاف عظایی اسلامیه شرعاً دارای آن حقوق است این فقره حائز آن ماهیت نیست که استقلال تام افغانستان را که در ماده اول این معاهده نامه تصدیق کرده شده است اخلاق بکشد برای رفع سوء فهمات در جای فقره دولت مقنداها استعمال فقره مقام خلاف عظایی اسلامیه میشناسند که آرزو کرده میشود غیر فقره دولت مقنداها قبول میکنم!

ماده چهارم مبنی تعلق دارد دولتیک در نبرق سیاست اسنیلا و استنار جویانه اتفاقی نماید اگر برقی از دولتین معاهدهای تجاوز بکشد.

ماده بح در باب افسوس که طرفین معاهدهای قبول نیکنند که بادواتی که با پیکی از طرفین معاهدهای در حال اختلاف باشد اثبات نمایند و ای عقد مقاوله و یا معاهده دولیه آن موافق باشد عنافع دولت مذکور و یا نضر باشد عنافع بیکی از دولتین عاقدهای و تصریف میکنند که اگر برقی از طرفین مخواهد آید یک معاهده بادول دیگر عقد کند پیشتر بدولت معاهده خود معلومات میدهدند زنجا حالات اختلاف حالت حرب است. آنها هماده بخدم طریقین معاهدهای این را قبول نمایند که از نقض و نفرهه بین عالم اسلام داغدار کردیده بود شبهه نیست که بدان واقعه مجهله سیاسته مردم پذیر

بسارعت تامین شو صورت مرتبه آزاد اسپرای سرکزی همذیگار ویس از تامین اسریعیه محابرات بمحکومهای سرکزی طرفین اطلاع میدهند:

خبر بر ایضاحات فوق احترامات فاقه ام را تقدیم مینمایم ۱۹ تیرین اول ۱۳۳۸ ۱۱ میزان (۱۳۰۱) امضا سفیر دولت رزکه فخری پاشا

ترجمه لامعه کا سفار غایب سفیر صاحب ترکیه زمان رزک بحضور شاهانه و حاضرین قرائت فرمود شوک مآهای

وهر از نو حیات تازه یافته و می یابد، کیفیت تصدیق معاهده مبارک درین مسجد معلا بحضور این جمعیت آبری مسلمین و درین این غلفه های که بکر و تحمد بدیکه به هزار کاه احادیث بلند میکردد و بکیفیت تبارله آزاد هایونی مزین میکردد و کیفیت تبارله آزاد که با اینجین بیک صورت قدسی امامی می شود تاریخ اسلام نخستین بار قلم درین قیدریت خواهد کرد - مسلمانانیکه این اخداد و اتفاق علوی و مقدس را بشنوند و باخواهند، البته با حکام این لوحة اتفاق و اخداد، اطاعت و اقیاد را رای خودشان فرموده شمرده ای اخیر الایام حدوشکر و دعاهای را که در خواهی از صمیم قلب مان جسته بسوی بار کاه الوهیت بلند میکردد آمن خواهند کفت!

این کامیابی عالی که روحانیت پیغمبری را شاد میسازد بیکی از آثار فاخر، عهد جلیل هایونی ایست که برای افغانستان و بشاران برای علم اسلام بک دوره مسعوده را تشکیل میدهد ازین جهت که ذات شاهانه وجوب اتحاد دول اسلامیه را با دولت رزکیه یکجا بطوریکه شاید و باید تقدیر فرمودند بشاران ذات ملوكانه را از صمیم قلب تبریک میکویم و محبت آثار توجه قیمتداریکه در ماره ملت ابراز فرموده اند

احترامات و تعظیمات صمیمی و قلبي ملت و حکومت را که به تهییل آن بحضور ملوكانه شان مفتخرم بپیشکار، هایون تقدیم مینمایم. شوکت مآهای ازین جهت که لصحت عهد نامه باهی دولت رادر و دو دولت متعهد و متفق امروز از طرف شاهانه بر برق ذیشان افزایی پیچیده به ملت و حکومت تودیع فرموده می شود و بشرف تسلیم آن مشرف میکردم و نسخه دیگر آرا که از طرف ملت و حکومت بحضور شاهانه فرستاده شده به برق ذیشان افزایی پیچیده بشرف تودیع آن نائل می شود، افتخار و مباراکه می شود - چون این شرف از جانب حضرت بار بقیعی بان بسته های خوش که از حرب عمروی با جشم کریان و دل خودهن برآمده است، نسبت و میسر میشود بشاران ذات بالک خدا و ندیش را هزاران هزار حد و نتا میکویم!

جناب ارجح الراحین بحق دعاهای ذیریه این امت مخدیه که درینجا جمع اندو محترم روحانیت مقدس رسول عقبویش تائیر مؤبده این اتحاد و اتفاق را برای هردو دولت و مه مسلمانان، نیک و مبارک کنادا شوکت مآهای اخداوند این برق هایرا که نسخه هایی عنده نامه مان بدان پیچیده تبارله میکردد برای ایغای آن وظا فکه

مقابل هم برادری آن مجتبی و زیرم رعیت  
معنوی کرد اماد آمین ا

[امان افغان]

عدالی زکان در عرصه یک ماه در ان صوبه  
قائم خواهد شد - علاقه غیر جانبدار و  
قسطنطینیه بعد از مجلس مصالحت حواله  
زکان خواهد شد - هین مطالبات زکان  
احرار بودند که از مدت مديدة ایشان  
طلب میکردند - این مستقر لاید جارج  
(ویر اعظم برطانیه) از تسلیم  
بخواست که این مطالبات زکان احرار  
بیچ نوع نکملی باشد - کارهای بسیار  
جست و بوان را مقابل زکان کرد و بهر نوع  
سدراه این مطالبات جائز شد لکن چون  
مدد کار راسف و حق خدای بزر است  
زکان که دام ایشان از نااصاف بعضی زخی  
و حقوق شان پامال بود - بزور شمشیرها  
کنار سمندر رسیدند یعنی بندوق کار سرمه  
را حاصل کردند و افواج منصور خود را  
در علاقه جنگ حرکت دادند - این خطه را  
اتحادیان غیر جانبدار قرار داده اند که  
اتحادیان بلده سرف برطانیه این علاقه را  
غیر جانبدار میکوید جرا که فرانس  
و ایطالیه ازاوائل محابه زکی و بوان خود  
را طرفدار زکی کردند اند و این حکومت  
برطانیه است که علاوه طرفداری بوان را  
کرده و خود را دشمن زکی و اسلامی ظاهر  
ساخت و توجه کرد که اکثر فرانس و ایطالیه  
افواج خود را از علاقه جنگ و این طلبیدند  
زکان احرار کرده خواهد شد و حکومت

لاید جارج هنر آرد که بقلم (مانجستر)  
بلطف رای تحفظ رویه وزارت برطانیه  
که بحق معاملات مشترک، قریب اجرا داشته  
اند بکنند که دنیا از حقیقت آکاهشود  
چنانچه بتاريخ ۱۲ آگوست لطف مذکور  
کرده شد خیل هنگامه خیز بود اکرجه  
پیشواین هم در صدق بیت وزارت برطانیه  
دبای اسلام بالخصوص و دولتین همچو  
بالعموم شک داشته بود لکن ازین تقویت  
طبول خجالات او اظهار من الشمس آردید  
و اکنون اکر حکومت هند بخواهد  
که رای دلجنون مسلمانان هند تعبیر غلط  
کند هر آن غیتواند چرا که قریب مذکور  
خیل واضح و بالفاظ صاف کرده شده  
است خلص قریب مذکور بقرار ذیل است که  
قابل توجه ارباب سیاست میباشد -

بعد از شکریه اطمینان عقیدت ماشدن کان

مانجستر لاید جارج گفت:

از وقتی که در شمال اذکاریان آمدند  
هیچ آثار ناراضی و بدیل در ماین عوام  
خلاف رویه وزارت نهی بیم - حکومت  
در معاملات هشتر قریب تکلف بلیغ  
برداشت کرده و این مصیت ارباعت نکته  
جبی عوام پیشتر کردید - این هم کفته  
بیشتر کما یعنی وزارت برطانیه اشنه خون  
ربزی هستیم در انواع فرقی اطمینان نبود

برطانیه تنها جنک خواهد کرد شناسان  
مستقل بدار جارج بک استندیه تلکرافی بر  
حکومات کنیدا، استریلیا وغیره فرستاده  
متوجه شده بود که امداد برطانیه را درین  
موقع نازک بکنند لکن از طرف وزرای  
حکومهای مذکور هم جواب مصواب  
نداشت - نه الطیبه در مجلس مذاکره ایشان  
مذایه اتحادیان قبول کرده اند اکرجه  
مدت بیشتر قبول میکردند اتفاق در ذکر  
وجمال و کشت و خون نمیشد - حق ایشان  
که فرانس و ایطالیه خواهش نداشته بود  
زکان احرار در حصول مقاصد خود  
شمیر بکشند و کوشان بودند آن بوان  
را بذریعه مذاکرات دولتی در راه راست  
آرند - که به طیب خاطر خودش از سرمه  
و هریس دست بردار شود لکن هین  
وزارت برطانیه و هین سیاست مستقل بدار  
جارج بود که بوان را در پس بده اصبحت  
میکردند که ساختهای هستیم هر آن از مقابله  
زکان پس نمکردند - بوان هم اکنون  
بلق درست حاصل کرد و داشت که برطانیه  
بچه جالها دنیا و ماشدن کان دیوار از در قصر  
هلاکت و مذکور ایذازد - به جواب نکته  
جبی عوام انگلستان و اخبارات دنیا که  
در رابط رویه وزارت برطانیه بذریعه  
نمکر و تغیر از هرسو اطمینان یافته بود -

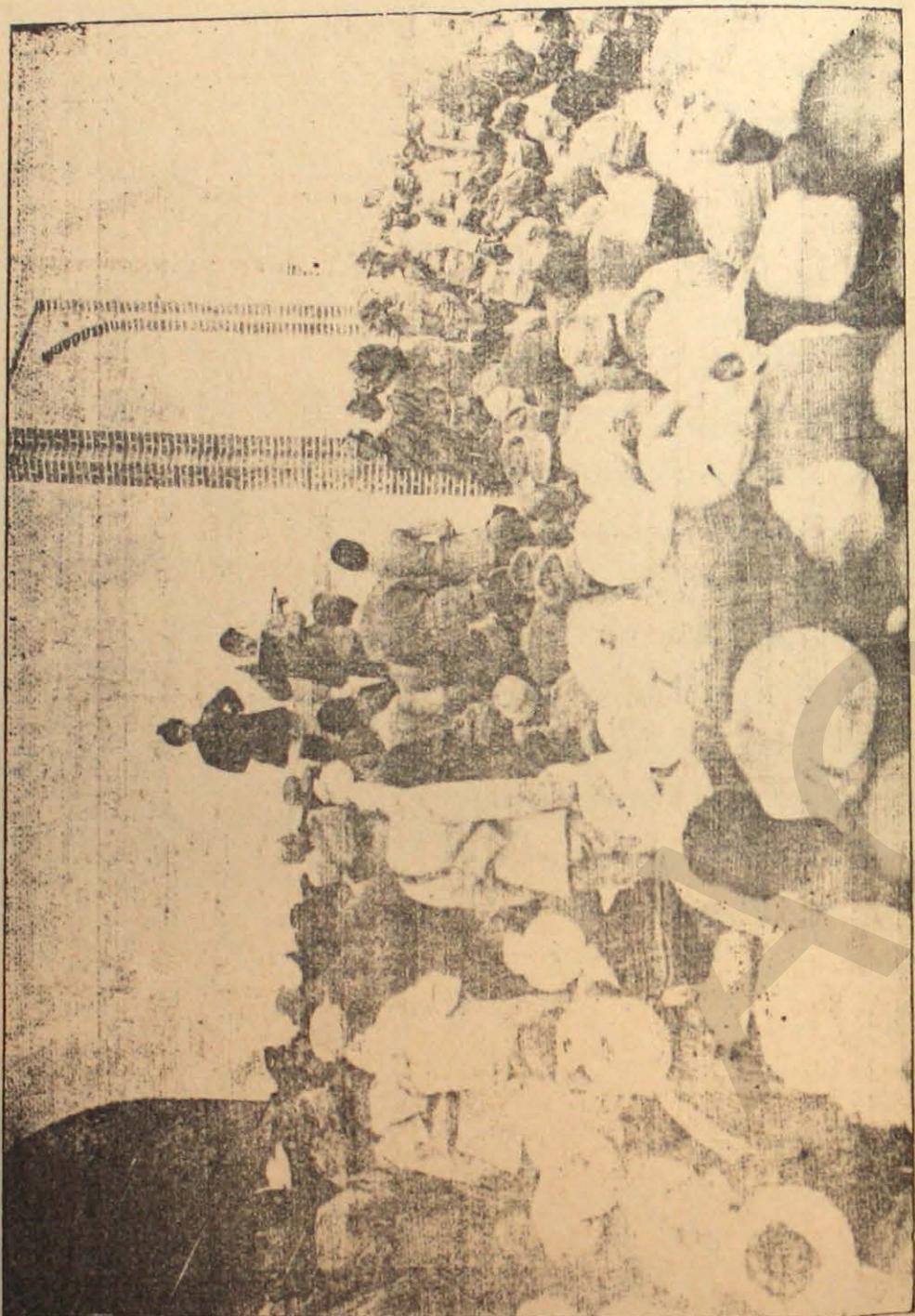
مقده دویان ایان و افغانستان را  
با غیره ممالک اسلامیه با خود میوراد  
(سیاست و احوالات حاضر)

کنفرانس عداینه باختتم رسید - نهادند  
کان زکان احرار و اتحادیان هم یک معاہده  
التوای جنک را مستخط کردند - بذریعه  
این معاہده هریس در یازده روز حواله  
زکان احرار کرده خواهد شد و حکومت

که جملہ و جوہات نزد صدم پیش کرده  
میشدند لکن اکنون بوضاحت پیش خواهم  
کرده، درین حکمت عمل ماس مقصد داشتیم  
(۱) آزادی آبناهارا برای تجارت  
جملہ اقوام دینما حاصل کردن -  
(۲) شله آتش جنک را که در تمام  
یورپ مشتمل میشد فرو کردن -  
(۳) ارتکاب آن جرائم و مظالم  
را که در آسیای سفری باز عرصه هفت سال  
کذسته جاری آند در قسطنطیبه منع نمودن.  
ازین جملہ متنی آنای چنین یافت که  
عنای تشریح طویل ناند جراحت و اقامات  
سنه ۱۹۱۵ عیسوی هنوز نازه آند علاوه  
برین در محاذیک بحر ماسوده، پیداوار احتیاط  
خام و اشیای خوردن بسیار زیادند که مک  
ثث آن در جهازات بريطانی یعنون  
میودلیمدا آبناهارا از دست دادن از آنها مات  
بزرگترین حاصل آرده جنک بعظم دست  
بردارشدن است، اکر رفان رکان مسدود  
کرده غیشید ایشان در جوش، خروش  
فتح، بالفورس را عبور میکردند - پر  
قسطنطیل و تھریں قابض شدند (مالوپیکا)  
حکم آور میشدند و هار آئین جوش فتحانه  
در بورپ یا یاعث آتش زد کی منید نمیشد؟  
صرف لصف حصہ آزادی قسطنطیبه بلکہ  
ازینم کفر ترکیست اکر ما بر جناب

قابض نمیبودم آتش زد کی سرنا مقابل  
مناظر قسطنطیل، هیچ نمیبود - مان  
شوال غرض ندارم که سرنا را کسون خت  
سوال ایافت که آیا زر آبحام ایهاب  
دو جود بودند یا به صرف عینیقدر یاد  
میدهم که از سنه ۱۹۱۴ تا حال بازده لک  
ار.ق و بیچ لک یونان، رمان و میکان نمیخ  
زی شدند اهذا این فرص ماست که این  
مخصوصین را از دست تطاول رکان تجفات  
دهیم - منتعجم آه جماعتیک در زمان کذسته  
زیر سرکردی مدر مانند (کلید ستون)  
بود اصرور از حکمت عمل من اختلاف  
دارد - برو، پار روز سهین مقام جله  
العقا دیافته بود و در ان جله تو ر جشم  
مدبر مذکور یعنی لا د کلید ستون در  
حکمت عملی من ظهار غرفت از ده بود،  
سردمان دیگر هرچهار دلویه، حیرمه در، قنیک  
اظهار غرفت کنند آمجب پیشتر میشود،  
در دنیا چنین سرمه موجود هستند آه  
تر غیب برداشت این جله های رکان  
میدند لکن من چنین عینی نیستم تا  
وقتیکه درست خود شمشیه دارم و از طرف  
خداؤ قوت استعمال آن شمشیه بمن عطا  
شده استعمال خواهم کرد، بن کفته  
میشود که من در راه سه خود بدراهم بران

این فوتو در حالیکه انتلیحضرت غاری و منبر حاج مسجد عیدکاه نطق غرای (حاوی  
بر اتحاد) خویش را باختتام رسایده قیام داشتند، وع، حج محمد ولیخان (وزیر امور  
خارجیه) مان معاهده نامه دولتیز عالیتین افغانیه و ترکیزرا بحضور هابونی شان و حاضرین  
برائت می نمودند، کرften، شده -



▶ خبر فرحت از  
در عله (۴۷، ۴۸) سال دوم این  
جریده سطوری جند راجع بتووقیف  
در ایت ماب جناب پاسنده محمد خار (فرحت)  
مدرسات این جریده بعنوان (خبر حضرت  
از) نکاشته بودم ، اینک که  
بگذشت شام نکبت و صبح ظفر رسید  
کم شد خزان رنج و بهار طرب رسید ،  
حکومت محکم شریعت هرای محمدی من  
البته حیات ازوی نیکشیده خلعت امان  
در روی پوشانید و بروز فیروز دو نیمه (برج  
عقرب سنه روان از محبس رهایید) —

اینست : آه امان افغان این چند سطور  
برسرورا بعنوان خبر فرحت از نقدم  
انظار اهل بصر (که جاده چیابان طريق  
مستقیم حقایقت اند) نموده ازرهانی آن  
خدم صادق سابق خویش اطمینان بسا  
خورسندی می نماید ، و عودت صفت مددح  
را از حضرت حکیم علی الاطلاق رجاویها  
دارد —

هم کامیاب میشدم لیکن شهادت جریده  
هیرنگ کتن در بنیاب ظاهر است آه بغير قوت  
عسکری زکان کاهی متاثر نمیشدند آیا کسی  
باور میکند که ترک محض بلسانی مشوره  
نیاز اقبال کند — مدعاي حکمت عملی  
من این نبود که ترکان را متبه کنم — توک  
جانوری است نهایت جنگجو — دیگر  
هر کس را که بخواهیم متبه کرده میتوانیم  
لکن دلاور نمیباشد اقبال نمیکند — نمیباشد  
تا وقتیکه محض نمیباشد باشد غلطی است همکو  
ازاده من این بود که این نمیباشد را به تکمیل  
بر این قریر لاید جارج چه در انگلستان  
وجه در هندوستان به نیکاه خیلی نایند  
دیده شده هیچ فرقه و هیچ مملک  
این نطق هنگامه خیز را تعریف نمیکند  
اخبارات انگلستان میکویند که اذون  
استعفای لاید جارج امری است لازمی با  
که زووزر یعنی در ماه آئینه انتخاب جدید  
گردند شود و این چنین شخص آونه اندیش  
و هنگامه برست را زودتر از حکومت برطانیه  
 جدا کرده شد — فرانس هم این قریر  
خیلی بریشان و ناراض شده میکوید هیچ  
لاید جارج میخواهد آنکارهای فرانس را  
بسیشت انداخته کارنامه های غلط خود را  
پیش کند —

مطلوبات دولت برطانیه از حکومات  
متعلقة آن

تبیه نیازه (۳)

(فرض متحدهن)

فرض رکایی کفته هم این است که  
این خطر سهله که را مفع نموده حالت امن  
ولمان را به دره دایبال و ماسفورس و  
نویس آن وجود آرند تا که مجلس  
صلحبه جمیزه بکار های خود منعندانه  
برداخته بقصبه مستقه رسیده بتواند —  
بنابران حکومت برطانیه برای مسئولیت  
خود دین مجلس تیار است آه کوشش  
مکنه را نسبت رسیدن تبعجه مستقه  
ابراز بدهد —

حکومت برطانیه برای دول فراله  
و ایطالیه می کوید آنکه در باب حافظه استنبول  
و هلاقه حات پیطرف مشتفقاً هر سه شریک  
عمل بوده مسئول یک قرار میباشدند —  
این امر واضح و مبرهن است که رفقای  
بلقان نیز مقاد مهه دارند — در جنگ  
کفکدر و مایدا بسبسته بودند در دایبال  
نیاه شد —

انحاد ترک و بلغاری برای بوکوسلافیا  
همومنا و برای سرویا خصوصاً تاخیم ملکی  
را پیدا خواهد نمود —

هزه تجارت در بیانی دنبوب مسدود  
خواهد شد اکرده دایبال مسدود شود  
ازین احوالات بر مفاد بونان چیزیکه  
از انداز میکرد معلوم است —

(جمهور و مستملکات)

حکومت برطانیه برای مستملکات  
خود بضم میفرسته که حافظه محل از از  
و مقاد فرمایهای که فیلاً کرده بودند و  
باید اسرار امداد فوجی نهایت تائنا کی که  
بو اخطه باد کار های غیر قانی خان مقدس  
لصور میشود حافظه شود —

حکومت برطانیه اراده دارد که  
لورماً بر افواج متحده مقیم فسطنطیه  
یافزاید — برای افسران جهاد از حربی  
(مقیم بحیره روم) حکم شده که من امام  
زکان شوند در صورتیکه زکان بخواهد  
داخل ساحل اوروبا شوند —



در چهارم خانه حقوق دارالسلطنه کابل

طبع گردید

(سرحر عبد الجبار)